

درسنامه درس ستایش

در پایه چهارم با قافیه و ردیف و بعضی از قالب های شعری آشنا شدیم ، در این درس می خواهیم قالب شعری را پیدا کرده و چند نکته ی گفته نشده در پایه چهارم را بیان کنیم :

نکته اول : هرگاه دو کلمه در آخر دو مصراع هر بیت :

(۱) تلفظ یکسان داشته باشند .
(۲) معنای یکسان داشته باشند ، ردیف می گویند .
حال اگر در بیتی دو کلمه مثل هم تلفظ شوند اما معنی یکسانی نداشته باشند آن کلمه ها ردیف نیستند و قافیه هستند .

نکته دوم : اگر هر مصراع دو قافیه کنار هم داشته باشد به آن ذوقافیتین می گویند .
مثال : جوانی سر از رأی ما در بتافت دل دردمندش به آذر بتافت
در مصراع اول بتافت به معنی سرپیچی کردن و در مصراع دوم به معنای سوزاند است که هر دو کلمه قافیه هستند .

در بیت اول شعر ستایش ، قافیه (پیدا ، توانا) می باشد .

*** دانش آموز عزیز به آخرین حرف قافیه حرف روی می گویند . یعنی (۱) در پیدا و توانا حرف روی می گویند.

لحن این شعر ، لحن ستایش می باشد و در این لحن معمولا در حال راز و نیاز با خداوند تواضع و فروتنی به کار می رود .

با تعدادی از آرایه های ادبی از جمله (تشبیه ، کنایه ، ضرب المثل و ...) قبلا آشنا شدید در این درس با دو آرایه دیگر آشنا می شوید .

(۱) **آرایه تلمیح :** در لغت به معنی به گوشه ی چشم اشاره کردن است اما در اصطلاح آرایه ادبی وقتی که شاعر یا نویسنده در شعر یا متن خود به (حدیث ، آیه ، واقعه تاریخی) اشاره داشته باشد آرایه ی تلمیح به کار رفته است .

مثال :

در فکند از گفته رب جلیل

مادر موسی چو موسی را به نیل

(۲) آرایه ایهام : در لغت به معنی کسی را به گمان افکندن است ولی در ادبیات یک نوع هنری است که شاعر لغتی را که دو معنی مختلف دارد در سخن خود طوری به کار ببرد که شخص خواننده در اولین نگاه تردید کند اما با کمی دقت به مفهوم مورد نظر گوینده پی ببرد

مثال :

ای همه هستی ز تو پیدا شده
خاک ضعیف دارای آرایه ایهام است :
خاک
خاک ضعیف از تو توانا شده
آفرینش انسان

با توجه به مفهوم شعر مفهوم خاک ضعیف یعنی انسان آفریده شده از خاک .

*** آشنایی با پاره ای از اصطلاحات شعری

(۱) **مطلع :** به بیت اول هر شعر ، مطلع گویند .

(۲) **مقطع :** به بیت آخر هر شعر ، مقطع گویند .

(۳) **تخلص :** به نام شعری شاعر که معمولاً در بیت آخر هم آورده می شود ، تخلص گویند .

(۴) **تحمیدیه :** شاعران و نویسندگان فارسی زبان ابتدای کتاب های خود را با ستایش و حمد خداوند آغاز می کردند که به این عمل (تحمیدیه) گفته می شود .

*** شمارش جمله

برای شمارش جمله های یک شعر یا متن باید به روش زیر عمل کنید :

* فعل های موجود + فعل های حذف شده + شبه جمله

(۱) **فعل های موجود :** منظور همان فعل است که در جمله یا شعر آشکار است و ما آن را می بینیم ، برای فعل های موجود در یک بیت شعر اجزای جمله را درست و به ترتیب در جای خود می چینیم تا فعل مشخص شود .

مثال : گه تدبیر عاقل باش و بینا
گه تدبیر عاقل و بینا باش
رَه امروز را مسپار فردا
و راه امروز را به فردا مسپار

فعل موجود فعل موجود

(۲) **فعل های حذف شده :** منظور فعل هایی است که در جمله نمی بینیم اما به نحوی خودشان را نشان می دهند .

حذف فعل دو نوع است : (۱) حذف به قرینه لفظی (۲) حذف به قرینه معنوی

(۱) **حذف به قرینه لفظی :** فعل یک بار در جمله می آید و بار دوم تکرار نمی شود .

مثال : گه تدبیر عاقل باش و بینا (باش)

۲) حذف به قرینه معنوی : با توجه به معنا و مفهوم جمله خودمان متوجه جای خالی فعل می شویم .

مثال : هر که بامش بیش « است » ، برفش بیشتر « است »

به نزدیک من صلح بهتر « است » که جنگ « است »

از

۲) شبه جمله : به عبارت هایی که بدون فعل معنی کاملی می دهند ، شبه جمله می گویند .

شبه جمله دو نوع است : الف) ندا و منادا (ب) اصوات

الف) حرف ندا و منادا : منادا کسی است که او را صدا می زنیم یا مورد خطاب قرار می دهیم حرف ندا

عبارتند از (ای ، یا ، ا در آخر اسم) . حرف ندا و منادا در شمارش جمله ، یک جمله کامل به حساب می آیند

مثال :

ای ایران ، ای مرزپر گهر

در مثال بالا (ای) ← حرف ندا * ایران ← منادا * ای ← حرف ندا * پر گهر ← منادا (

نکته اول : برخی مواقع منادا بدون علامت ندا می آید ولی منادا حساب می شود .

مثال : به من آهسته مادر گفت فرزند .

نکته دوم : گاهی مواقع با توجه به لحن خواندن ، می تواند علامت منادا باشد .

مثال : دست در دامن مولا زد در که علی بگذر و از ما مگذر

منادا

ب) اصوات : نشان دهنده احساسات هستند. گاهی برای حالت هایی مانند آرزو، اندوه ، شادی و ... از کلمه هایی

استفاده می شود .

۱) تعجب و شگفتی : شگفتا ، عجباً ، به ، عجب و ...

۲) تحسین : آفرین ، احسنت ، خوشا ، به به ، بارک ا... ، ماشاا... و ...

۳) غم و افسوس : آه ، افسوس ، دریغ ، دریغا ، حیف ، دردا ، وای ، حسرتا ، واه و

۴) آگاه کردن و هشدار دادن : زنهار، مبادا ، الا ، هان ، هین ، سلام ، خداحافظ ، بله ، خیر ، نه و ...

۵) آرزو و تمنا : کاش ، کاشکی و ...

مثال : به به ! تو چه گل سرخ زیبایی هستی !

ج) عبارت های کوتاه بدون فعل که کلمه هایی مانند سلام ، خداحافظ ، بله ، خیر هستند .

مثال : وقتی پدر وارد شد مادر به او گفت : سلام ، چه شب خوبی .

*** اصول زندگی نامه نویسی : در نوشتن زندگی نامه به موارد زیر توجه شود :

۱) نام و شهرت ۲) محل زندگی و دوره تاریخی ۳) تحصیلات ۴) آثار

۵) تأثیر و نقش فرد در ادبیات یا علم یا هنر و ... ۶) زمان و مکان و علت فوت .



تمرین

(۱) در بیت های زیر قافیه و ردیف و حرفِ روی را معین کنید ؟

از پیِ توست این همه امید و بیم هم تو بیخشای و بیخش ای کریم

چاره ی ما ساز که بی یاوریم گر تو برانی ، به که روی آوریم

جز درِ تو ، قبله نخواهیم ساخت گر ننوازی تو که خواهد نواخت

(۲) در بیت های زیر آرایه های ایهام و تلمیح را به دست آورید ؟

ای همه هستی ز تو پیدا شده خاکِ ضعیف از تو توانا شده

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور کلبه ی احزان شود روزی گلستان غم مخور

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ما سوا فکندی همه سایه ی هما را

امشب صدای تیشه از بیستون نیامد گویا به خوابِ شیرین ، فرهاد رفته باشد

(۳) در ابیات و عبارت های زیر تعداد جمله را مشخص کنید ؟

چاره ی ما ساز که بی یاوریم گر تو برانی به که روی آوریم

جهانی که در آن زندگی می کنیم ، سرشار از شگفتی هاست .

بحر آفرید و بر و درختان و آدمی خورشید و ماه و انجم و لیل و نهار کرد

آشپز که دوتا شد ، آش یا شور می شود یا بی نمک .

۴) در عبارت های زیر ندا ، منادا ، اصوات و شبه جمله را معین کنید ؟

– ای همه هستی ز تو پیدا شده
خاکِ ضعیف از تو توانا شده

– ای فرزندان ، مردم ، معمولاً برای رسیدن به سه چیز تلاش می کنند.

– پروردگارا ، ما را مورد لطف و رحمتِ خود قرار ده .

– گفت : ای آشنا ، سلام !

– آموزگار به مریم گفت : احسنت !



تست های درس

۱) بیت زیر چند جمله دارد ؟

– ای همه هستی ز تو پیدا شده
خاکِ ضعیف از تو توانا شده

الف) یک جمله ☐ ب) دوجمله ☐ ج) سه جمله ☐ د) چهار جمله ☐

۲) نهاد در « از پی توست این همه امید و بیم » کدام گزینه است ؟

الف) تو ☐ ب) همه ☐ ج) این ☐ د) امید و بیم ☐

۳) در بیت « چاره ما ساز که بی یاوریم
گر تو برانی به که روی آوریم » درباره ی نقش (که) در مصراع

اول و دوم به ترتیب کدام گزینه است ؟

الف) حرف ربط ، حرف ربط ☐ ب) حرف ربط ، اسم به معنی چه کسی ☐

ج) اسم به معنی چه کسی ، حرف ربط ☐ د) اسم به معنی چه کسی ، اسم به معنی چه کسی ☐

۴) کدام کلمه غیر ساده است ؟

الف) توانا ☐ ب) پیدا ☐ ج) کریم ☐ د) قبله ☐

۵) در بیت « جز در تو قبله نخواهیم ساخت
گر نوازی تو، که خواهد نواخت » مفعول کدام است ؟

الف) در ☐ ب) قبله ☐ ج) تو در مصراع اول ☐ د) تو در مصراع دوم ☐

۶) در کدام گزینه فعل امر وجود ندارد ؟

الف) یار شو ای مونسِ غمخوارگان ☐ ب) گر تو برانی ، به که روی آوریم ؟ ☐

- (ج) چاره کن ای چاره ی بیچارگان ☐ (د) هم تو ببخشای و ببخش ای کریم ☐
- (۷) کدام مثنوی از آثار نظامی نیست ؟
- (الف) مخزن الاسرار ☐ (ب) خسرو و شیرین ☐ (ج) شیرین و فرهاد ☐ (د) هفت پیکر ☐
- (۸) کدام گزینه اسم ساده است ؟
- (الف) ستایش ☐ (ب) توانا ☐ (ج) مونس ☐ (د) بیچاره ☐
- (۹) کدام گزینه ردیف دارد ؟
- (الف) جز در تو قبله نخواهیم ساخت
(ب) چاره ی ما ساز که بی یاوریم
(ج) ای همه هستی ز تو پیدا شده
(د) از پی توست این همه امید و بیم
- (۱۰) کدام آرایه ی ادبی در بیت « ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده » صحیح نیست ؟
- (الف) تلمیح ☐ (ب) تناسب ☐ (ج) تضاد ☐ (د) ایهام ☐

**** یادآوری ***

فعل : کلمه ای که انجام گرفتن یا روی دادنِ حالتی در زمان حال ، گذشته یا آینده را نشان می دهد ، به عبارتی مفهوم جمله با فعل کامل می شود و با نبودِ فعل جمله ناقص می گردد مانند شد ، است ، بود و ... همگی فعل هستند .

در جمله ی زهرا و فاطمه سالِ آینده به مشهد خواهند رفت ، فعل خواهند رفت اگر از جمله حذف شود ، جمله ناقص و نامفهوم خواهد شد .

فاعل (نهاد) : فاعل یعنی کننده کار و واژه ای است که انجام کاری را در جمله به آن نسبت می دهیم .
مثال : سارا به مدرسه رفت فعل رفت را سارا انجام داده است ، پس سارا کننده کار است .

**** بیش تر بدانیم ***

انواع نهاد :

(الف) نهاد آشکار (جدا) :

مثال : مریم به مدرسه رفت مریم نهاد جدا (آشکار) است .

(ب) نهاد پنهان :

مثال : به مدرسه رفت او نهاد پنهان است .

(ج) نهاد پیوسته : همان شناسه هایی هستند که به فعل می چسبند .

مثال : به مدرسه رفتم ← م نهاد پیوسته است .

(د) نهاد فاعلی : وقتی نهاد در جمله کاری انجام دهد فاعلی است .

مثال : مریم به مدرسه رفت کار رفعت به مریم نسبت داده شده است و مریم نهاد فاعلی است .

(ه) نهاد غیر فاعلی : وقتی نهاد در جمله حالتی را می پذیرد ، غیر فاعلی است .

مثال : مریم خندان است .

! **نکته اول :** به نهاد غیر فاعلی مسندالیه می گویند .

! **نکته دوم :** فعل های است / بود / شد / گشت / گردید / می شود / باشد و خانواده های این فعل ها ،

شخص فعل ها به اضافه منفی آنها نیستم / نشد / نگردید و ... فعل های ربطی هستند .

! **نکته سوم :** فعل های گشت و گردید اگر به معنی گردش کردن و گشتن باشند فعل ربطی نیستند .

! **نکته چهارم :** اگر فعل بود به معنی وجود داشتن باشد ، دیگر فعل ربطی نخواهد بود و باید در معنای

خود بودن باشد .

مثال : مادر در خانه بود ← مادر نهاد است ، بود به معنی وجود دارد و فعل غیر ربطی است و جمله مسند ندارد

. مادر خندان بود ← مادر مسندالیه است ، خندان مسند است ، بود فعل ربطی است .

! **نکته پنجم :** معمولا به کلمه قبل از فعل که در جملات با فعل ربطی و با پرسش (چطور ، چگونه + فعل)

به پاسخ می رسیم مسند می گویند .

مثال : هوا سرد است ← هوا چگونه است؟ سرد است . هوا نهاد غیر فاعلی (مسندالیه) است . سرد مسند

است ، است فعل ربطی است .

صفت :

کلمه یا گروهی از کلمات که در سال قبل یاد گرفتیم ، معمولا بعد از — و اسم قرار می گیرند و اسم را با

ویژگی یا مفهومی همراه می کند .

مثال : زهرا گل زیبایی را به مادرش هدیه داد ← گل به صورت اسم + — است ، زیبایی صفت است

طریقه ی ساخت ترکیب وصفی (اسم + صفت)

مثال : گل زیبا ، دختر دانا .

طریقه ی ساخت ترکیب اضافی (اسم + اسم)

مثال : گل من ، کتاب زهرا .

*** راه های تشخیص اسم از صفت :

(۱) به صفت (تر ، ترین) اضافه می کنیم ، اگر معنی داد ترکیب وصفی است و اگر معنی نداد ترکیب اضافی است.

مثال : گل زیبا تر ، زیباترین گل .

(۲) بین اسم و صفت (—) را برداشته ، به ابتدای ترکیب (این) و پایان آن (است) اضافه می کنیم ، اگر معنی درست را داد ، ترکیب وصفی است .

مثال : گل زیبا — این گل زیبا است .

(۳) بین موصوف و صفت (ی) اضافه می کنیم .

مثال : گل زیبا — گلی زیبا

(۴) بین موصوف و صفت واژه ی (بسیار یا خیلی) بیاوریم ، اما در ترکیب اضافه نمی شود .

مثال : گل زیبا — گل بسیار زیبا

انواع صفت

(۱) صفت بیانی (صفت بیانی پسین) :

الف (صفت بیانی ساده	ب (صفت بیانی لیاقت	ج (صفت بیانی فاعلی
د (صفت بیانی مفعولی	ه (صفت بیانی تفضیلی تر	و (صفت بیانی عالی ترین
۲) صفت های پیشین :		
الف (صفت تعجبی	ب (صفت شمارشی	ج (صفت پرسشی
د (صفت مبهم	ه (صفت اشاره	

*** توضیح صفت ها

صفت بیانی : صفتی است که به چگونگی و خصوصیات اسم مانند رنگ ، جنس ، شکل ، حجم ، مقدار ، ارزش و ... می پردازد .

الف (صفت بیانی ساده : صفتی است که خصوصیت موصوف را بیان می کند .

مثال : دخترِ زرتنگ — خصوصیت زرتنگی را بیان می کند .

ب (صفت بیانی لیاقت : قابلیت موصوف را بیان می کند و از مصدر + ی ساخته می شود .

مثال : گفتن + ی — گفتنی

ج (صفت بیانی فاعلی : صفتی که موصوف خود را به شکل انجام دهنده ی کار توصیف می کند . صفت فاعلی با رابطه زیر ساخته می شود :

* بن مضارع + ا — گوی + ا — گویا .

* بن مضارع + نده — گوی + نده — گوینده .

* بن مضارع + ار — پرست + ار — پرستار .

* بن مضارع + ان — خند + ان — بخندان .

* بن مضارع + گار — کماز + گار — کمازگار .

* بن مضارع + گر — کتوان + گر — کتوانگر .

* بن مضارع + کار — بجوش + کار — بجوشکار .

* بن ماضی + گر — بخیخت + گر — بخیختگر .

* بن ماضی + گار — کآفرید + گار — کآفریدگار .

صفت بیانی نسبی : این صفت کسی یا چیزی را به کسی یا چیزی نسبت می دهد . برای ساخت این صفت از رابطه های زیر استفاده می شود :

* اسم + ی — شیراز + ی — شیرازی .

* اسم + ین — آتش + ین — آتشین .

* اسم + انه — دختر + انه — دخترانه .

* اسم + گانه — بچه + گانه — بچه گانه .

* اسم + گان — کهر + گان — کهرگان .

(۵) صفت بیانی مفعولی : به صفتی می گویند که کار بر روی آن واقع شده است . برای ساخت صفت مفعولی از رابطه ی زیر استفاده می کنیم :

* بن ماضی + ار — دید + ار — دیدار .

* بن ماضی + ه — گفت + ه — گفته .

(۶) صفت بیانی تفضیلی (برتر) : به وسیله ی این صفت ، موصوف را در صفتی مشترک با یک یا چند موصوف دیگر می سنجند . برای ساخت صفت بیانی تفضیلی از رابطه زیر استفاده می کنیم :

صفت بیانی ساده + تر — خوبتر ، زیباتر و ...

(۷) صفت عالی (برترین) : صفتی است که موصوفی را در صفتی مشترک با همه ی موصوف های هم جنس می سنجند .

برای ساخت صفت عالی از رابطه زیر استفاده می کنیم :

صفت بیانی ساده + ترین — زیباترین ، مهربان ترین ، بیشترین و ...

***** صفت های پیشین**

الف (صفت تعجبی) : اگر واژه ی چه ، عجب با اسم همراه شوند و تعجب گوینده از چگونگی یا مقدار موصوف را بیان کند ، صفت تعجبی می گویند .

چه یا عجب + اسم ← (چه سری ، چه دمی !)

ب) صفت شمارشی :

اعداد یک تا بی نهایت + اسم

مثال : یک نصیحت بشنو از من — یک صفت شمارشی است .

دو خودکار خریدم — دو صفت شمارشی است .

نکته : بعضی مواقع صفت شمارشی ترتیب موصوف را بیان می کند .

برای ساخت صفت شمارشی از رابطه زیر استفاده می کنیم :

عدد اصلی + م یا مین

مثال : چهارم ، چهارمین

ج) صفت پرسشی : صفتی که در مورد مقدار یا نوع موصوف پرسش می کند .

برای ساخت صفت پرسشی از رابطه زیر استفاده می کنیم :

کدام ، چند ، چگونه ، چه + اسم

مثال : چه کتابی خریدی ؟ — چه صفت پرسشی است .

د) صفت مبهم : کلماتی که نوعی ابهام در مفهوم خود دارد .

برای ساخت صفت مبهم از رابطه زیر استفاده می کنیم :

بهمان ، فلان ، دگر ، هیچ ، برخی ، چندین ، هر + اسم — همدانش آموز زرنگ .

ه) صفت اشاره : برای اشاره به کار می رود .

برای ساخت صفت اشاره از رابطه زیر استفاده می کنیم :

این ، آن ، همین ، همان + اسم

مثال : همین کتاب خوب بود — همین صفت مبهم است .

درسنامه درس تماشاخانه

برای دانستن مخالف یا متضاد یک کلمه ، ابتدا باید معنی آن کلمه را بدانیم ، متضاد یعنی ضد هم پس وقتی

معنی دو کلمه را بدانیم آن وقت به مخالف یا متضاد آن پی می بریم .

مثال : طلوع ≠ غروب

نکته : همه ی واژه ها در زبان فارسی مخالف ندارند مانند دفتر ، کتاب ، میز و ... اما گاهی یک کلمه با

توجه به معنی جمله چند مخالف دارد .